

بررسی سیاستهای امارات متحده عربی نسبت به جزایر سه گانه جمهوری اسلامی ایران*

تاریخ دریافت مقاله :	۸۴/۶/۵	نویسنده : دکتر محمدرضا حافظنیا**
تاریخ تأیید مقاله :	۸۴/۸/۲۷	سیدعبدالجلیل رضوی***
صفحات مقاله :	۷-۳۰	

چکیده

از ابتدای تشکیل کشور امارات متحده در سال ۱۹۷۱، سه جزیره ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک با توجه به اهمیت استراتژیک خود در منطقه خلیج فارس، همواره موضوع مناقشه میان این کشور با ایران بوده و روابط دو کشور را تحت تأثیر قرار داده است. به این ترتیب امارات متحده عربی، هر از گاهی با تکرار ادعاهای خود نسبت به این سه جزیره، باعث می شود این مسأله به موضوع اصلی مناسبات دو کشور و حتی مناسبات میان ایران و سایر کشورهای عربی تبدیل شود. این سه جزیره اکنون در اختیار ایران قرار دارند و بر اساس واقعیت های تاریخی نیز همواره جزئی از خاک ایران محسوب می شده اند، ولی مطرح شدن ادعای امارات و سازمانهایی چون اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس در این زمینه، دل مشغولیهایی را برای سیاست خارجی ایران به وجود می آورد.

در این تحقیق سیاست های امارات متحده عربی نسبت به جزایر سه گانه جمهوری اسلامی ایران در سه بعد نظامی، یارگیری و ایجاد تحولات ساختاری مورد بررسی قرار گرفته است. روش انجام تحقیق، توصیفی - تحلیلی است و اطلاعات مورد نیاز از اسناد و مدارک مکتوب کتابخانه ای با بهره گیری از مقالات لاتین و فارسی موجود در شبکه جهانی اینترنت و مجلات تخصصی، تهیه شده است. سؤال اصلی تحقیق این است که امارات متحده عربی چه اهداف و سیاستهایی را نسبت به جزایر سه گانه جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس دنبال می کند؟

* * * * *

کلید واژگان

جزایر سه گانه، امنیت ملی ایران، امارات متحده عربی، خلیج فارس

* این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد آقای سیدعبدالجلیل رضوی می باشد که با راهنمایی آقای دکتر محمدرضا حافظنیا در دانشکده و پژوهشکده علوم دفاعی و امنیت ملی دانشگاه امام حسین (ع) دفاع شده است.

** استاد گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس.

E-mail : Hasezh_ Memofares.ac.ir

*** کارشناس ارشد اطلاعات استراتژیک.

مقدمه

تنگه‌ها، گذرگاه‌های طبیعی دریایی و جزایر، موقعیتهایی هستند که هم در قدرت ملی و سیاست خارجی کشورها تأثیر دارند و هم در استراتژیهای نظامی بری و بحری مورد توجه قرار می‌گیرند. در نتیجه نقش ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک در آنها بر هم منطبق می‌شود. از مناطق مهم و دارای اهمیت استراتژیک در خاورمیانه، منطقه خلیج فارس و جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک است که سالهاست بر مناسبات ایران و امارات متحده عربی سایه انداخته است. مسائل جهانی و منطقه‌ای خلیج فارس و جزایر متعدد آن در ابعاد ارتباطی، اقتصادی، سیاسی، ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک نقش بسیار مهمی را در سرنوشت سیاسی، نظامی، دفاعی و امنیتی کشورهای ساحلی، بویژه ایران و امارات متحده عربی داراست. جزایر استراتژیک این پهنه آبی به عنوان یک عامل جغرافیایی مهم، به خاطر ارزشهای ارتباطی و اقتصادی و نظامی که دارند، دارای نقش مؤثری در موازنه قدرت منطقه‌ای و جهانی هستند. دولت‌ها و قدرتهای حاکم بر جزایر از آن به عنوان ابزاری در سیاست خارجی خود استفاده می‌کنند. بین کاربری جزایر و میزان قدرت کشورهای ساحلی آن نیز رابطه مستقیم وجود دارد، یعنی هر قدر دولت ساحلی جزایر، قویتر و قدرتمندتر باشد، به همان نسبت امکان استفاده از تنگه هرگز و حضور فعال و مؤثر در خلیج فارس به عنوان ابزار اعمال سیاست خارجی در امور منطقه‌ای و جهانی برایش بیشتر خواهد بود. در این راستا قدرتهای بزرگ جهانی نیز به دلیل ارزش و نقش جزایر استراتژیک، همواره کوشیده‌اند تا بر آنها و کشورهای ساحلی آن کنترل داشته باشند (حافظ‌نیا، ۱۳۷۱، ۳). فرضیه‌ای که در مسیر این تحقیق پیگیری می‌شود، این است که *امارات متحده عربی نسبت به تسلط بر جزایر سه‌گانه ایران دست به فعالیتهای نظامی زده و با استفاده از سیاست یارگیری و ایجاد تحولات ساختاری، تلاش کرده است به اهداف خود دست یابد.*

مبانی نظری

۱- امنیت

موضوع امنیت پیشینه‌ای به قدمت جهان دارد، در عین حال در هر دوره تاریخی برداشت جدیدی از این مفهوم به دست می‌آید. در آغاز امنیت فقط مستلزم وجود تضمین فیزیکی یک شخص، قبیله و یا ملت بود و معمولاً به محیط نظامی اشاره داشت و هنگامی که حیات مردم تهدید می‌شد، هر چیز دیگری تحت‌الشعاع آن قرار می‌گرفت. اما با پیشرفت جامعه انسانی، امنیت در یک مفهوم گسترده‌تر و در ابعاد سیاسی، اقتصادی و حتی روانی نیز مورد توجه واقع شد (احمدی‌پور، ۱۳۷۶، ۴۴۲). در فرهنگ معین امنیت به معنای "ایمن شدن، در امان بودن و بی‌بیمی" تعریف شده است (معین، ۱۳۷۱، ۳۵۴). در قرآن کریم نیز آمده است: «الذی اطعمهم من جوع و آمنهم من خوف» یعنی «آنکه به هنگام گرسنگی طعامشان داد و از بیم در امانشان داشت» (سوره قیش، آیه ۴). اصولاً امنیت یک پدیده ادراکی و احساسی است. یعنی این اطمینان باید در ذهن توده مردم، دولتمردان و زمامداران و تصمیم‌گیرندگان به وجود آید که برای ادامه یک زندگی بدون دغدغه، وجود امنیت لازم و ضروری خواهد بود. اما تعیین درجه و مرتبه‌ای برای تثبیت چنین امنیتی، شاید امکان‌پذیر نباشد. به همین جهت است که گفته می‌شود: «امنیت یک وضعیت نسبی است. یعنی هرگز، یک فرد در معیار خرد و کشور در مقیاس کلان، نمی‌تواند مدعی برخورداری از یک امنیت صددرصد باشد، حتی اگر تمام عوامل و امکانات و توانایی‌های مادی و معنوی نیز در این راه به کار گرفته شوند» (کاظمی، ۱۳۷۲، ۱۱۸). اصطلاح امنیت در روابط بین‌الملل و رشته‌های دیگر به صورت عمومی رایج است و به نظر می‌رسد اگرچه توسط افراد دست‌اندرکار امور اجرایی و دانشگاهیان به عنوان مفهوم سازمان‌دهنده محوری پذیرفته شده است، اما مطالب مکتوب در این زمینه به هیچ‌وجه با وضعیت مزبور متناسب نیست. شاید یکی از مشهورترین آثار مکتوب در زمینه مفهوم امنیت،

مقاله "آرنولد ولفرز"^۱ در خصوص امنیت ملی باشد. اما وی نیز با اطلاق صفت "نماد مبهم" به امنیت و طرح اینکه امنیت هیچ معنای دقیقی ندارد، بیشتر از اینکه باعث توسعه امنیت به عنوان یک رویکرد مهم شود، باعث دلسردی در روابط بین‌الملل شد. سایر دانشمندان نظیر هدلی بول^۲، برنارد برودی^۳، فرانک تراگر^۴ و فرانک سیمونی^۵ نیز بحث‌های کوتاه و در عین حال مفیدی درباره مشکلات کاربردی مفهوم امنیت مطرح کرده‌اند (بوزان، ۱۳۷۸، ۱۷-۱۶). در عین حال، دانشمندان و صاحب‌نظران مختلف هر کدام از دیدگاه خاصی به تعریف این واژه پرداخته‌اند. مثلاً اقبال الرحمن^۶، معتقد است: «امنیت یک ملت دربرگیرنده وحدت سرزمین، ثبات رژیم، درک و شناخت سایر منافع ملی و بین‌المللی و تأمین و حفظ ساکنان در برابر تهدید، عمل و یا هر موقعیتی است که به هر طریقی به مسیر زندگی آنان لطمه وارد می‌سازد» (Rehman, 1992, 7). همچنین آرنولد ولفرز می‌گوید: «امنیت در معنای عینی آن یعنی فقدان تهدید نسبی به ارزشهای کسب شده و در معنای ذهنی، یعنی فقدان هراس از اینکه ارزشهای مزبور مورد حمله قرار گیرند» (بوزان، ۱۳۷۸، ۳۱). این در حالی است که والتر لپمن^۷، یک ملت را وقتی دارای امنیت می‌داند که در صورت اجتناب از جنگ، بتواند ارزشهای اساسی خود را حفظ کند و در صورتی که اقدام به جنگ نمود، قادر باشد همان ارزشها را پیش ببرد (عزتی، ۱۱۷۶، ۴۹۴).

۲- منازعه و بحران

بحران عبارت است از حالتی که یکی از طرفین در آن کوشش می‌کند وضع

-
- 1- Arnold Wolfers
 - 2- Headley Boll
 - 3- Bernard Brodie
 - 4- Frank Trager
 - 5- Frank Simonie
 - 6- Iqbalur Rehman
 - 7- Walter Lippman

موجود را در رابطه با طرف دیگر به هم زند و متقابلاً با مقاومت طرف دوم، شرایطی به وجود می‌آید که احتمال وقوع جنگ یا درگیری خصمانه افزایش می‌یابد، لیکن جنگ حادث نمی‌شود (کاظمی، ۱۳۶۸، ۲۸). اگر بحران را با تعاریف بالا بپذیریم، مفهوم بحران در نقطه مقابل تعادل قرار می‌گیرد. در اینجا تعادل‌گرایی به معنای حفظ وضعیت است. از طرفی بقا و ثبات را در مقابل بحران در سیستم مدیریت فرض می‌کنیم (جمشیدی‌راد، ۱۳۷۳، ۴). وجه مشترک تمام بحرانها بیشتر احساس احتمال وقوع جنگ است (کاظمی، ۱۳۶۸، ۱۲۸). در فراسوی منافع و اهداف ملی، که در روش اتخاذ تصمیم مؤثر است، برخی ارزشهای اخلاقی نیز مانند مذهب، ایدئولوژی و فرهنگ ممکن است مورد هجوم بیگانه قرار گیرد و بحرانی از آن حادث گردد (باقری کبوری، ۱۳۷۰، ۱۰۸). اما اغلب بحرانها از آنجا ناشی می‌شوند که یکی از طرفین درگیر، به وسایل و تمهیداتی برای وادار کردن طرف دیگر به قبول شرایط یا موضع خود، فشار و تهدیداتی وارد آورد. بدیهی است که طرف دیگر، در مقابل این فشار مقاومت نموده و با توسل به روشهای مختلف، سعی می‌کند آن را خشی و بی‌اثر کند. پس در این بازی که بدواً دوجانبه است، عواملی از قبیل تهدید، ارباب، نمایش قدرت، امتیاز و دیگر عناصر ارتباطی و حرکتی سیاسی یا نظامی وجود دارد که بیشتر در محدوده قلمرو دیپلماسی و تئوری تکامل قرار می‌گیرد (می‌یر، ۱۳۶۸، ۳۱).

۳- بحران سیاسی و بحران ژئوپلیتیک

عده‌ای بحرانها را به بحرانهای ژئوپلیتیک، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، اداری، روانی، فکری و ... تقسیم‌بندی می‌نمایند. ما در اینجا صرفاً به بررسی مختصر بحرانهای ژئوپلیتیک و سیاسی بسنده می‌کنیم. بحران ژئوپلیتیک کشمکش است که موضوع آن یک متغیر یا یک ارزش جغرافیایی است. این بحرانها دیرپا هستند، یعنی به‌سادگی قابل حل نیستند و به‌طور مستقیم با پدیده منافع ملی و

موضوع منافع ملی و درک دولتها نسبت به آن پیوند می‌خورند. بحران ژئوپلیتیک به کندی و سختی به صلح تبدیل می‌شود. بحرانهای ژئوپلیتیک اغلب دارای خصلت و قابلیت گسترش هستند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۲، ۱۴). اما بحران سیاسی، کشمکشی است که بر سر یک اختلاف سیاسی میان دو یا چند واحد سیاسی واقع می‌شود. این بحرانها با استفاده از دیپلماسی و رایزنی‌های مسئولین سیاسی قابل حل هستند و معمولاً بعد از مدت کوتاهی از بین می‌روند. نمونه‌ای از این بحرانها میان ایران و عربستان سعودی در سال ۱۳۶۵، در پی کشته شدن تعدادی از زائران ایرانی بیت‌الله‌الحرام به دست مأموران آل‌سعود به وجود آمد. در عین حال، بعد از گذشت چند سال با مذاکرات انجام شده و رفع اختلافات، روابط عادی دو کشور از سر گرفته شد.

۴- موقعیت جزایر سه‌گانه در خلیج فارس

در منطقه خلیج فارس حدود ۱۳۰ جزیره بزرگ و کوچک مسکونی و غیرمسکونی پراکنده وجود دارد. از نظر موقعیت، جزیره ابوموسی میان ۵۵/۰۱ و ۵۵/۰۴ درجه طول خاوری و ۲۵/۵۱ و ۲۵/۵۴ درجه عرض شمالی، در ۳۱ مایلی (۵۰ کیلومتری) جزیره سیری قرار گرفته است. فاصله ابوموسی از بندر لنگه ۶۷ کیلومتر است و اندکی از خط میانه خلیج فارس به جنوب، پایین‌تر قرار گرفته است (مجتهدزاده، ۱۳۸۲، ۹۰). این جزیره بیشتر به اکسید سرخ آهنی که دارد شناخته می‌شود. حدود یکصدسال پیش از این، نخستین امتیاز استخراج این معادن، از سوی ناصرالدین‌شاه قاجار به حاج معین‌التجار بوشهری داده شد. امتیاز استخراج اکسید آهن بعدها به یکی از اهالی بندرلنگه رسید که از سوی شیخ قاسمی بندرلنگه تأیید شد. شیخ قاسمی لنگه نیز سالانه ۲۵۰ لیره استرلینگ از وی به عنوان حق‌الامتیاز دریافت می‌کرد. لاریمر که از پژوهشگران جغرافیایی معتبر سالهای نخستین قرن کنونی است، شمار ایرانیانی را که در آن روزگار برای

استخراج معادن ابوموسی کار می‌کردند، یکصد تن نوشته و اشاره می‌کند که مقدار سالانه اکسید استخراج شده از این معادن حدود چهل هزار کیسه است.

امتیاز استخراج معادن آهن ابوموسی در سالهای اولیه قرن بیستم به شرکت آلمانی "ونکولیس" داده شد. این امتیاز بعدها به شرکت انگلیسی "گلدن ولی کالریمیتد" انتقال یافت و دیری نگذشت که ژاپنی‌ها هم وارد کار شدند. این امتیازات همه از سوی شیخ شارجه اعطا شده بود که بعد از آذرماه سال ۱۳۵۰ به تأیید دولت ایران نیز رسید (کامران، ۱۳۸۲، ۱۳۳). نفت ابوموسی به حوزه مبارک، در بخش دریایی خاوری جزیره، محدود می‌شود که از بهترین نوع و کیفیت در خلیج فارس برخوردار است. حوزه نفتی مبارک شامل ۳ چاه است که امتیاز استخراج نفت آن، پیش از سال ۱۳۵۰، از سوی شارجه به شرکت نفت بیوتس داده شد. این امتیاز پس از تاریخ یاد شده به تأیید دولت ایران رسید و قرار شد که درآمد عملیات نفتی ابوموسی میان ایران و شارجه تقسیم شود. به دنبال اعلام توافق آذر ۱۳۵۰ میان ایران و شارجه و تجدید حاکمیت ایران بر بخشهای استراتژیک جزیره، مقررات ۱۲ مایلی آبهای ایران در مورد ابوموسی به اجرا درآمد. اجرای این مقررات حدود آبهای ساحلی ابوموسی را تا سرحد تداخل با آبهای کرانه‌ای امارات، ام‌القوین، گسترش داد، یعنی تا محلی که شرکت نفت اکسیدنتال از طرف امارات حق اکتشاف دریافت کرده بود. این مسئله باعث به وجود آمدن مشکلات پیچیده‌ای گشت (مجتهدزاده، ۱۳۷۲، ۹۲).

جزیره تنب بزرگ نیز میان ۵۵/۱۶ و ۵۵/۱۹ درجه طول شرقی و ۲۶/۱۵ و ۲۶/۱۹ درجه عرض شمالی و در ۳۱ کیلومتری جنوب غربی جزیره قشم در بخش شمالی خط منصف خلیج فارس قرار گرفته است. فاصله این جزیره از بندر لنگه ۵۰ کیلومتر و از کرانه‌های رأس‌الخیمه ۷۰ کیلومتر است. جمعیت ۴۰۰ نفری این جزیره ترکیبی از ایرانیان اصالتاً از بندر لنگه و اعرابی از قبیله بنی‌یاس دویی

هستند (اسدی، ۱۳۸۱، ۱۸۵). اهمیت تنب بزرگ، بخصوص به دلیل وسعت زیاد آن است، فرودگاه ۱۵۰۰ متری قدیم با ظرفیت ۴ هلی کوپتر و فرودگاه ۲۵۰۰ متری جدید که هواپیمای C130 می‌تواند در آن فرود آید از نظر عملیات نظامی دارای اهمیت فراوان است (کامران، ۱۳۸۲، ۱۶۸). ارزش استراتژیک این جزیره به لحاظ فاصله زیاد آن از دهانه تنگه هرمز کم می‌باشد، لیکن به دلیل قرار گرفتن در زنجیره دفاعی ایران، از نظر اهمیت و موقعیت سوق‌الجیشی منطقه‌ای، حلقه مهمی محسوب می‌گردد.

تنب کوچک نیز در فاصله ۱۲ کیلومتری جزیره تنب بزرگ قرار گرفته است. فاصله این جزیره تا بندر لنگه ۴۵ کیلومتر و از جزیره حمراً در کرانه‌های رأس‌الخیمه ۸۰ کیلومتر است. تنب کوچک در ۵۵/۸ و ۲۶/۱۵ درجه عرض شمالی واقع شده است. این جزیره مثلثی شکل است و بلندترین نقطه آن ۳۲ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. این جزیره خالی از سکنه است و آب آشامیدنی در آن وجود ندارد (مجتهدزاده، ۱۳۸۲، ۸۹).

اقدامات امارات در جهت تحکیم ادعای خود نسبت به جزایر سه‌گانه ۱- ایجاد تحولات ساختاری

دولت امارات در جهت تشویق سرمایه‌گذاریهای داخلی، هوشیارانه عمل می‌کند و تعدادی ناحیه آزاد تجاری افتتاح نموده است، تا به اقتصاد خود تنوع بخشد. مکان اصلی این نواحی، جبل‌علی دبی می‌باشد که در سال ۱۹۸۵ تأسیس گردید. امتیاز ویژه و خاص برای شرکت‌هایی که خارج از امارات همکاری لازم را انجام می‌دهند، وجود دارد تا از این طریق بتوانند بدون وجود مشکلاتی همچون محدودیت‌های ملکی ملی و یا نیازمندیهای مشارکتی و محدودیت‌های قانونی و مالیاتی معمول، در مناطق تجاری آزاد به فعالیت اقتصادی بپردازند. سود و

سرمایه‌های وارد شده آزادانه برای یک دوره زمانی بیش از ۱۵ سال، قابل انتقال می‌باشند.

۲- تقویت بنیه نظامی

۲-۱- *افزایش هزینه‌های نظامی*: با خروج بریتانیا از منطقه خلیج فارس، ایران و عربستان به خریدهای تسلیحاتی خود شتاب دادند. در آن زمان امارات متحده عربی هنوز در حال گذراندن مقدمات استقلال بود. در ابتدای این دوره مثلاً در ایران در سال ۱۹۷۰، ۱۱۳/۱ میلیون دلار و در عربستان ۴۴/۸ میلیون دلار صرف خریدهای نظامی شد. در حالی که این رقم در سال ۱۹۷۶ در ایران ۱۳۰۱/۳ میلیون دلار و در عربستان به ۲۵۰۲/۵ میلیون دلار می‌رسد. در همان سال (۱۹۷۶) میزان کل خریدهای نظامی در کل جهان ۸۳۶۸/۵ میلیون دلار صورت گرفت. این روند همچنان تا سالهای دهه ۹۰ ادامه داشت، به طوری که در این دهه با وجود کاهش هزینه‌های نظامی ایران، در دیگر کشورهای منطقه هزینه نظامی دارای روندی رو به گسترش بوده است. در امارات متحده عربی در سال ۱۹۹۲ با وجود تعداد نفرات بسیار کم ارتش، در مقایسه با ایران، مبلغ بسیار بالایی را صرف هزینه‌های نظامی کرده است. هزینه نظامی ایران در این سال ۲/۳ و در امارات ۲/۱ میلیارد دلار بوده است. این روند تا سال ۱۹۹۴ ثابت بوده و در سال ۱۹۹۵، ایران با ۴۰۰ میلیون دلار افزایش در هزینه‌های نظامی به ۲/۵ میلیارد دلار رساند و امارات با ۲۰۰ میلیون دلار کاهش هزینه، هزینه‌های نظامی خود را به ۱/۹ میلیارد دلار رساند (مجتهدزاده، ۱۳۷۸). در جداول زیر میزان کل هزینه نظامی کشورهای خلیج فارس و همچنین تعداد و ترکیب نیروهای مسلح کشورهای منطقه آورده شده است.

جدول شماره ۱- هزینه‌های نظامی کشورهای خلیج فارس (میلیارد دلار)

کشور	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵
ایران	۲/۳	—	۲/۳	۲/۵
عراق	۲/۵	۲/۶	۲/۷	۲/۷
کویت	۲/۹	—	۱/۳	۳/۱
عربستان	—	—	۲۴/۳	۱۳/۲
بحرین	۰/۲۳۷	۰/۲۵۲	۰/۲۵۶	۰/۲۶۱
قطر	—	—	۰/۳۰۲	—
امارات	۲/۱	—	۲/۱	۱/۹
عمان	۱/۸	۱/۸	۲	۱/۸

منبع: مجتهدزاده، ۱۳۷۸؛ اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۴۵ و ۱۴۶.

جدول شماره ۲- تعداد و ترکیب نیروهای مسلح کشورها خلیج فارس

کشور	تعداد کل نیروهای مسلح در دهه ۱۹۹۰			نیروهای زمینی در دهه ۱۹۹۰			نیروی دریایی در دهه ۱۹۹۰			نیروی هوایی در دهه ۱۹۹۰		
	۹۷-۹۶	۹۵-۹۴	۹۲-۹۳	۹۷-۹۶	۹۵-۹۴	۹۲-۹۳	۹۷-۹۶	۹۵-۹۴	۹۲-۹۳	۹۷-۹۶	۹۵-۹۴	۹۲-۹۳
ایران	۵۱۳۰۰۰	۵۱۳۰۰۰	۵۲۸۰۰	۳۴۵۰۰۰	۳۴۵۰۰۰	۳۰۵۰۰۰	۱۸۰۰۰	۱۸۰۰۰	۱۸۰۰۰	۲۰۰۰۰	۳۰۰۰۰	۳۰۰۰۰
عراق	۳۲۹۰۰۰	—	—	۲۵۰۰۰۰	۲۵۰۰۰۰	۱۳۴۰۰۰	۲۵۰۰	۲۵۰۰	۱۰۰۰	۳۰۰۰۰	۳۰۰۰۰	۳۰۰۰۰
کویت	۹۸۶۵۰	۱۶۶۰۰	۱۱۷۰۰	—	—	۸۰۰۰	۱۸۰۰	۱۸۰۰	۱۲۰۰	۲۵۰۰	۲۵۰۰	۲۵۰۰
عربستان	۱۰۵۵۰۰	۱۰۴۰۰۰	۱۰۲۰۰۰	۷۰۰۰۰	۷۰۰۰۰	۷۳۰۰۰	۱۳۵۰۰	۱۳۰۰۰	۱۱۰۰۰	۱۸۰۰۰	۱۸۰۰۰	۱۸۰۰۰
بحرین	۱۱۸۰۰	۱۰۱۰۰	۷۵۰۰	۸۵۰۰	۸۵۰۰	۶۰۰۰	۱۸۰۰	۸۰۰	۷۰۰	۱۵۰۰	۸۰۰	۸۰۰
قطر	۶۴۵۰۰	۶۱۵۰۰	۵۴۵۰۰	۵۹۰۰۰	۵۷۰۰۰	۵۰۰۰۰	۱۵۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۴۰۰۰	۲۵۰۰	۲۵۰۰
امارات	۱۱۰۰۰	۶۸۰۰	۶۱۵	۸۵۰۰	۶۸۰۰	۵۰۰۰	۱۰۰۰	۶۰۰	۵۰۰	۱۵۰۰	۷۰۰	۶۵۰
عمان	۴۳۵۰۰	۴۲۹۰۰	۳۵۷۰۰	۲۵۰۰	۲۵۰۰	۳۰۰۰۰	—	—	—	۴۲۰۰	۳۵۰۰	۳۵۰۰

منبع: نصری مشکینی، مؤلفه‌ها و موانع همگرایی در منطقه خلیج فارس، مجله خاورمیانه، شماره ۶۹.

۲-۲- واردات تسلیحات و نوسازی نیروهای مسلح: بر اساس گزارش مربوط به انتقال سلاحهای متعارف به کشورهای در حال توسعه، انتشار یافته توسط سرویس تحقیقات کنگره آمریکا در آگوست سال ۱۹۹۹، امارات متحده عربی در حدود ۲/۵ میلیارد دلار معاملات مربوط به واردات سلاح را به انجام رساند و بعد از عربستان سعودی، دومین مصرفکننده عمده در بین کشورهای درحال توسعه می‌باشد. در این گزارش آمده است که این کشور در سال ۱۹۹۸، به‌طور واقعی به میزان ۱/۱ میلیارد دلار سیستم تسلیحاتی وارد نمود و در بین سالهای ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۸ به میزان ۶/۸ میلیارد دلار اسلحه دریافت کرد. بودجه دفاعی سال ۱۹۹۷ امارات به مبلغ ۲/۲ میلیارد دلار رسید و از طرفی توان نیروهای زمینی این کشور با دستیابی به تانکهای "لکلرک"^۱ فزونی یافته است. در دسامبر سال ۱۹۹۷ امارات عربی متحده سفارش خرید ۳۰ فروند جنگنده میراژ ۹-۲۰۰۰ شرکت داسالت فرانسه را صادر کرد و توافقنامه مربوط به تقویت ۳۳ فروند جنگنده میراژ ۲۰۰۰ فعلی به نوع ۹-۲۰۰۰ استاندارد نیز به امضا رسید. ارزش این قرارداد بین ۲/۹ تا ۳/۴۱ میلیارد دلار می‌باشد (گزارش آژانس کنترل تسلیحات و خلع سلاح، ایالات متحده آمریکا، هزینه‌های نظامی و انتقالات تسلیحات در جهان، ۱۹۹۶-۱۹۹۴). امارات متحده عربی پس از عربستان سعودی، در نوسازی نیروهای مسلح خود فعالترین کشور در منطقه خلیج فارس است. این کشور با خرید ۴۳۶ دستگاه تانک اصلی لکلرک از فرانسه، نیروی زمینی خود را تقویت کرده است. نیروی دریایی این کشور هم‌اکنون دو ناوچه جنگی در اختیار دارد و یک فروند دیگر نیز به آمریکا سفارش داده است. توسعه و تجهیز شرکت کشتی‌سازی ابوظبی (ADSB) برای تجهیز و تعمیر و نگهداری ناوچه‌های نظامی، با مشارکت کمپانی آمریکایی نیوپورت از دیگر اقدامات امارات به شمار می‌آید. سیستم پدافند هوایی پانتسیر - اس یک

کنار اسرائیل، بر ایران متمرکز شد. بدین ترتیب تصمیم‌های اتحادیه عرب نه اقتصادی است، نه فرهنگی و نه به معنای واقعی کلمه سیاسی؛ بلکه بیشتر موضع‌گیری‌هایی است بر پایه ناسیونالیسم افراطی و تعصب قومی، مانند صدور قطعنامه‌های نسنجیده در پشتیبانی از ادعاهای امارات متحده عربی نسبت به جزایر ایران (مجتهدزاده، ۱۳۸۲، ۴). به عنوان نمونه، این اتحادیه در تاریخ دوم دسامبر ۱۹۷۱ یعنی دو روز پس از اقدام ایران، اتحادیه عرب برای بررسی مسأله سه جزیره تشکیل اجلاس فوق‌العاده خود را در تاریخ ۵ دسامبر اعلام کرد. در این اجلاس، نماینده عراق اعلام کرد کشورهای عرب روابط دیپلماتیک خود را با ایران قطع کنند. در ضمن پیشنهاد کرد که اعضای اتحادیه تا زمانی که شارجه موافقت‌نامه خود را در مورد واگذاری جزایر با ایران لغو ننماید، از پذیرش عضویت امارات متحده عربی (با شرکت شارجه) در اتحادیه عرب خودداری شود. در ادامه چهار کشور تندر و عرب شامل عراق، لیبی، یمن جنوبی و الجزایر در تاریخ ۳ دسامبر ۱۹۷۱ و کویت در تاریخ ۶ دسامبر از ایران به شورای امنیت سازمان ملل شکایت کردند. نماینده موقت ایران در انجام مذاکرات مربوط به مسأله جزایر سه‌گانه در شورای امنیت (امیرخسرو افشار) اعلام کرد دولت وی این امر را یک مسأله داخلی می‌داند و ضرورتی برای ارائه اطلاعات به شورای امنیت سازمان ملل نمی‌بیند. در مورد جزیره ابوموسی نیز اعلام کرد که اعمال حاکمیت ایران بر ابوموسی با استفاده از موافقت و رضایت قبلی شارجه انجام گرفته است (اسدی، ۱۳۸۱، ۱۹۵). در پایان شورای امنیت پیرو سخنان تند نمایندگان لیبی، یمن جنوبی، عراق و کویت علیه ایران هیچ عکس‌العملی نشان نداد و پیشنهاد نماینده سومالی را مبنی بر کافی بودن مذاکرات و ایجاد فرصت کافی برای مذاکرات از طریق طرف سوم دیگری را تصویب کرد و پرونده شکایت از ایران نیز در شورای امنیت مختومه اعلام شد (مجتهدزاده، ۱۳۸۲، ۱۱۳). در هر حال تلاشهای امارات در این زمینه، باعث شد تا این اتحادیه بارها در نشست‌های

خود از ادعاهای نامعقول و بی پایه امارات نسبت به جزایر سه گانه پشتیبانی همه جانبه کرده و هرچه روابط ایران با مصر و عربستان و عراق، به عنوان سه کشور نیرومند اتحادیه تیره تر بوده، بر ایران فشار بیشتری آورده است. (درجاوند، ۱۳۸۲، ۶)

۲-۳- شورای همکاری خلیج فارس: ائتلاف دیگری که امارات متحده عربی از آن به عنوان اهرم فشار در برابر ایران از آن استفاده کرده است، شورای همکاری خلیج فارس است. سابقه تلاش کشورهای منطقه خلیج فارس برای ایجاد اتحادیه منطقه ای به منظور حفاظت از امنیت منطقه به دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ باز می گردد (ارفع، ۱۳۷۰، ۱۰). لیکن تشکیل آن تا سال ۱۹۸۱ میلادی، زمانی که شش کشور عربستان سعودی، کویت، امارات عربی متحده، قطر و بحرین بدون حضور ایران و عراق تأسیس آن را اعلام کردند، به تعویق افتاد. بنابراین، شورای همکاری خلیج فارس به غلط به این عنوان معروف شده و تنها از شش کشور شبه جزیره عربستان تشکیل شده است. این شورا که هویت خود را به خلیج فارس منتسب نموده است، عضویت کلیه کشورهای منطقه را شامل نمی شود. یعنی ایران که نیمه شمالی خلیج فارس را تحت حاکمیت خود دارد و نیز عراق، به عنوان یکی از کشورهای قدرتمند منطقه، در این شورا عضویت ندارند. زمانی انتساب شورا به خلیج فارس درست خواهد بود که تمامی کشورهای منطقه را شامل شود. بنابراین شورای مزبور به شورای همکاری شبه جزیره بیشتر شبیه است تا به شورای همکاری خلیج فارس و اطلاق عنوان "شورای همکاری شبه جزیره" برای آن مناسب تر است (حافظنیا، ۱۳۷۱، ۶۴). در عین حال، از آنجا که ماهیت این شورا در زمان تشکیل با هدف صنف بندی و ایجاد مانع در برابر جمهوری اسلامی ایران بود، در مقاطع مختلف در مورد این جزایر، بیانیه هایی در جهت خواست امارات متحده عربی صادر کرده و ایران را به توسعه طلبی ارضی متهم کرده اند. و در این راستا حتی دست به مانورهای مشترک با استفاده از نیروی واکنش سریع این

شورا زده‌اند (نیروی واکنش سریع بنام "سپر جزیره" در سال ۱۹۸۴، متشکل از واحدهای نظامی کشورهای عضو شورا و با یک فرماندهی مشترک برای رویارویی با بحرانا و تهاجمهای خارجی شکل گرفت). امارات متحده عربی از دیگر ائتلافها و پیمانها نیز در جهت وارد آوردن فشار بر ایران استفاده کرده است که به دلیل تأثیر کمتر این ائتلافها از تشریح آنها خودداری می‌شود.

تجزیه و تحلیل

با توجه به مباحث مطرح شده، مشخص می‌شود که امارات متحده عربی فعالیتهایی را در راستای کنترل جزایر سه‌گانه ایرانی انجام داده است و به دلیل احساس تهدید فرضی از ناحیه ایران جهت تقویت قدرت ملی خود در راستای تسلط بر سه جزیره ایرانی، اقدام به تقویت بنیه نظامی و نوسازی نیروهای خود نموده است. دولت امارات در زمینه سیاست یارگیری تلاش کرده است تا روابط خود را با دیگر کشورها، اعم از کشورهای منطقه و سایر کشورها بهبود بخشد. در عین حال، مهمترین اقدامات این کشور به فعالیتها و رایزنیهای مربوط می‌شود که نمایندگان آن در دو سازمان منطقه‌ای (اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس) پیگیری می‌کنند. امارات از طریق این دو سازمان و نیز استفاده از دیگر ائتلافها و پیمانها در جهت اعمال فشار بر ایران، کوشیده است و بارها مسأله جزایر سه‌گانه را در مجامع بین‌المللی مثل شورای امنیت سازمان ملل، دیوان بین‌المللی لاهه، سازمان کنفرانس اسلامی و ... مطرح کرده و به تکرار ادعاهای خود پرداخته است. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که امارات از این طریق سعی دارد با جلب نظر دوستان و یاران منطقه‌ای و جهانی، در راستای تسهیل تسلط خود بر سه جزیره ایرانی، موضع خود را نسبت به ایران تقویت نماید.

در جهت تحولات ساختاری نیز مواردی چون رشد توسعه اقتصادی و صنعتی بالا، درآمد سرانه بالا و میزان قابل توجه ذخایر زیرزمینی، رونق تجارت و

صادرات مجدد کالا به خصوص از طریق دو بندر آزاد تجاری جبل علی و مینا زاید، تأسیسات و تسهیلات مهم حمل و نقل هوایی، بویژه در دویی و مواردی از این دست، جملگی نشان از سعی و تلاش برنامه‌ریزی شده دولت امارات در جهت ایجاد تحولات ساختاری در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، ارتباطی و سیاسی دارد تا بدین‌وسیله قدرت ملی و منزلت بین‌المللی خود را افزایش دهد و بتواند از این طریق، امکان منفعل‌سازی سیاست ایران نسبت به جزایر را فراهم نماید.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق سیاستهای دولت امارات در سه بخش تقویت زیرساخت‌های نظامی و توسعه تأسیسات دفاعی، یارگیری‌های منطقه‌ای و جهانی و سرانجام ایجاد تحولات ساختاری مورد مطالعه قرار گرفت. بدین‌ترتیب مشخص شد که در بعد نظامی این کشور مشغول جمع‌آوری تسلیحات و نیروهای نظامی و انجام برنامه‌های امنیتی و استراتژیکی در منطقه خلیج فارس می‌باشد و با توجهات گوناگون خود را صاحب جزایر دانسته و به طراحی راهبردهای استراتژیکی و امنیتی جدید برای احراز مالکیت بر جزایر می‌باشد.

جدول شماره ۳ - سیاست و اقدامات امارات متحده عربی در زمینه نظامی

سیاست	شاخص‌ها
تقویت بنیه نظامی، ایجاد تأسیسات دفاعی و نوسازی نیروهای نظامی	- واردات سلاح - واردات سیستم‌های تسلیحاتی - نوسازی ارتش - تجهیز شرکتهای داخلی تعمیر ادوات نظامی - همکاری نظامی با اعضای شورای همکاری خلیج فارس

در زمینه سیاست یارگیری، امارات متحده عربی کوشیده است روابط خود را

با دیگر کشورها اعم از کشورهای منطقه و سایر کشورها بهبود بخشد، هرچند مهمترین اقدامات این کشور شامل فعالیتها و رایزنیهایی می‌شود که نمایندگان آن در دو سازمان منطقه‌ای (اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس) پیگیری می‌کنند.

جدول شماره ۴ - سیاست و اقدامات امارات متحده عربی در زمینه سیاست یارگیری

سیاست	شاخص‌ها
سیاست یارگیری	<ul style="list-style-type: none"> - بهبود روابط با دیگر کشورها - تلاش و فعالیت قابل توجه در اتحادیه عرب - حضور پررنگ در شورای همکاری خلیج فارس - مطرح کردن مسأله جزایر در شورای امنیت سازمان ملل، دیوان لاهه، کنفرانس اسلامی و ...

در بخش ایجاد تحولات ساختاری، می‌توان گفت که امارات در حال تبدیل شدن به یک قدرت اقتصادی منطقه‌ای است. این کشور با توجه به برخورداری از رشد بالای توسعه اقتصادی و صنعتی، توانسته است مراحل رشد و پیشرفت را به سرعت طی کند و در زمره کشورهای تقریباً توسعه یافته قرار گیرد. امارات اولین کشور منطقه بود که برای تنوع بخشی به اقتصاد خود تعدادی ناحیه تجاری آزاد افتتاح نموده است. مهمترین این بنادر آزاد تجاری که در توسعه بخش تجارت و صادرات مجدد و درآمدهای حاصل از آن بسیار موفق عمل می‌کنند، بندر جبل علی و مینا زاید می‌باشند.

جدول شماره ۵- سیاست و اقدامات امارات متحده عربی در زمینه ایجاد تحولات ساختاری

سیاست	شاخص‌ها
ایجاد تحولات ساختاری	<ul style="list-style-type: none"> - رشد بالای توسعه اقتصادی و صنعتی - تشویق سرمایه‌گذاری‌های داخلی - جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی - تأسیس مناطق آزاد تجاری - رونق تجارت و صادرات مجدد - تسهیلات قابل توجه در ترانزیت هوایی

پیشنهادات

- ۱- با توجه به احساس تهدید نادرست امارات از ناحیه ایران در زمینه جزایر سه گانه و همچنین مداخلات دیگر کشورها، توصیه می‌شود دو کشور در درجه اول این موضوع را غیرسیاسی تلقی نمایند و آنگاه با انجام مذاکره مستقیم به رفع سوء تفاهمات بپردازند.
- ۲- پیشنهاد می‌شود جمهوری اسلامی ایران با راه‌حل‌ها و ابزار مناسب دیپلماسی، به دولت امارات و دیگر دولتهای عرب منطقه، زمینه‌های اطمینان خاطر آنها را فراهم نماید، تا آنها با اطمینان وضعیت موجود سرزمینی در منطقه را بپذیرند.
- ۳- امارات متحده عربی ادعاهای سرزمینی خود را به موارد و اندازه‌های واقع‌گرایانه‌تر کاهش دهد. به این معنی که با کنار نهادن ادعاهای واهی نسبت به جزایر سه گانه، حسن نیت خود را نشان دهد. جزایری که به تصدیق کلیه ناظران مستقل آگاه، بر اساس شواهد و اسناد جغرافیایی و تاریخی به ایران تعلق دارد.
- ۴- کار تحدید حدود و مرز دریایی میان ایران و امارات متحده عربی بر اساس ترتیبات جدید و گسترش یافته در ابوموسی تکمیل گردد.

- ۵- پیشنهاد می‌شود جمهوری اسلامی ایران با تعامل منطقی و حساب شده با دیگر کشورها در منطقه و جهان و به‌کارگیری سیاست خارجی معقول و آینده‌نگر، مانع از هرگونه تهدید منافع ملی کشور در ارتباط با جزایر سه‌گانه شود.
- ۶- ایران باید تلاش نماید تا برای متوازن شدن دو طرف در ارتباط با تحولات ساختاری ایجاد شده در امارات متحده عربی، به توسعه اقتصادی، اجتماعی و ... جزایر و مناطق واقع شده در کرانه‌های شمالی تنگه هرمز و خلیج فارس توجه بیشتری کرده و این نواحی را در رقابت با امکانات و تأسیسات سرزمینهای امارات، توانمند سازد.

منابع فارسی

- ۱- احمدی پور، زهرا (۱۳۷۶)؛ "همکاری منطقه‌ای پیش شرط توسعه و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران"، مجموعه مقالات همایش توسعه و امنیت عمومی، جلد دوم، تهران، وزارت کشور.
- ۲- اسدی، بیژن (۱۳۸۱)؛ *خلیج فارس و مسائل آن*، تهران، انتشارات سمت.
- ۳- باقری کیورق، علی (۱۳۷۰)؛ *کلیات و مبانی جنگ و استراتژی*، تهران، نشر بین‌الملل.
- ۴- بوزان، باری (۱۳۷۸)؛ *مردم، دولتها و هراس*، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۵- جمشیدی‌راد، جعفر (۱۳۷۳)؛ "بازتاریب بحران قفقاز پس از فروپاشی شوروی بر امنیت ملی ایران"، *پایان‌نامه علوم سیاسی*، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- ۶- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۷۱)؛ *خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز*، تهران، انتشارات سمت.
- ۷- _____ (۱۳۸۲)؛ *جزوه درسی مفاهیم و نظریه‌های ژئوپلیتیک*. دوره کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۸- عزتی، عزت‌اله (۱۳۷۶)؛ "بررسی مسأله امنیت و نظم عمومی در ایران با توجه به موقعیت منطقه‌ای و جهانی"، *مجموعه مقالات هدایش توسعه و امنیت عمومی*، جلد دوم، تهران، وزارت کشور.
- ۹- قرآن مجید، سوره قریش، آیه ۴.
- ۱۰- کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۷۲)؛ *روابط بین‌الملل در تئوری و در عمل*، تهران، نقش قومنس.
- ۱۱- _____ (۱۳۶۸)؛ *مدیریت بحرانهای بین‌المللی*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۱۲- کاهران، حسن (۱۳۸۲)؛ *جغرافیای نظامی جزایر*، تهران، انتشارات انجمن جغرافیایی ایران.

- ۱۳- گزارش آژانس کنترل تسلیحات و خلع سلاح، ایالات متحده آمریکا، هزینه‌های نظامی و انتقادات تسلیحات در جهان، ۱۹۹۶-۱۹۹۴.
- ۱۴- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۲)؛ *کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس*، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی نوری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۱۵- _____ (۱۳۷۸)؛ *امنیت منطقه‌ای در خلیج فارس*، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۴۵ و ۱۴۶.
- ۱۶- معین، محمد (۱۳۷۱)؛ *فرهنگ فارسی*، جلد اول، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۱۷- می‌یر، پیتر (۱۳۶۸)؛ *جامعه‌شناسی جنگ و ارتش*، ترجمه علیرضا ازغندی و محمدصادق مهدوی، تهران، نشر قومس.
- ۱۸- نصری مشکینی، قدیر؛ *مؤلفه‌ها و موانع همگرایی در منطقه خلیج فارس*، مجله خاورمیانه، شماره ۶۹.
- ۱۹- نعیمی ارفع، بهمن (۱۳۷۰)؛ *مبانی رفتاری شورای همکاری خلیج فارس در قبال جمهوری اسلامی ایران*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۲۰- ورجاوند، پرویز (۱۳۸۲)؛ *چه می‌خواهیم و چه می‌کنیم؟*، تهران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۹۴-۱۹۳.

English Reference

- 1- Rehman, Iqbalur (1992). *Nation Security & Problems Warfare*. Kanishka Publishing House.